

اخبار حوادث

این مرد یک قاچاقچی فراری است



پلیس در جستجوی مخفیگاه این متهم است که اقدام به حمل یک تن مواد مخدر در شهرستان فیروزآباد کرده و پا به فرار گذاشته است. سرهنگ مهدی جوکار فرمانده انتظامی فیروزآباد گفت: در ادامه رسیدگی به پرونده حمل قاچاق مواد مخدر، دستور انتشار بدون پوشش تصویر بدست آمده از متهم فراری پرونده از سوی باز پرس دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان فیروزآباد صادر شده است. وی افزود: از کلیه شهروندان که موفق به شناسایی تصویر این فرد شده و اطلاعاتی در خصوص هویت، محل سکونت یا محل های تردد این شخص را دارند درخواست می شود تا هر گونه اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۴۷۴-۰۷۱۲۱۸۵۴۳۷ یا با مراجعه حضوری به ستاد فرماندهی شهرستان فیروزآباد واقع در میدان سرداران در اختیار پلیس قرار دهند.



۱۰ سال زندگی با جسد پدر

پسر ۷۹ ساله فرانسوی ۱۰ سال با جسد پدرش در یک خانه زندگی کرد. به گزارش ایران آنلاین به نقل از مترو، ماموران پلیس جسد مومیایی شده این مرد را پس از یک دهه در خانه پسرش پیدا کردند. گزارش های پلیس نشان میدهد که جسد پدر تنها ۳ روز پس از مرگ پسر ۷۹ ساله در خانه پیدا شده است. ماموران می گویند یکی از اعضای خانواده هنگام تمیز کردن خانه قدیمی با جسد مومیایی پدر روبرو شده است. گزارش هانشان می دهد که هم پدر و هم پسر به مرگ طبیعی جان سپرده اند.



کشف جسد چوپان گمشده در خلخال

جسد یک چوپان در روستای منامن از توابع خلخال بر اثر سقوط از کوهستان که تسلیم سربوشت مرگباری شده بود، پس از چهار روز جستجو پیدا شد. معراج نیکخواه نسلز، چوپان ۵۶ ساله خلخال، روز ۲۵ مهر ماه اسمال در کوهستان اطراف روستای منامن خلخال ناپدید و ۳۰ راس گوسفند شب هنگام بدون او به روستا بازگشته بود. معاون سیاسی و امنیتی فرماندار خلخال گفت: جسد این فرد یکشنبه شب توسط یک چوپان در منطقه (دووز بولاچی) حوالی روستای منامن مشاهده و به اطلاع ارگان های جستجو کننده رسانده شد. احمد قنبری گفت: نیروهای انتظامی و امدادی از شهر هشتجین به محل حادثه اعزام و حوالی نیمه شب یکشنبه جسد به مرکز پزشکی قانونی شهر اردبیل انتقال یافت. قنبری اظهار داشت: از زمان ناپدید شدن چوپان، شورای مدیریت بحران خلخال وارد عمل شده و عملیات جستجو در کوهستان اطراف توسط ماموران انتظامی و امدادگران جمعیت هلال احمر ادامه داشت.

پایان سرقت ۷ تانیه ای هم سلولی ها

اعضای یک باندر در منطقه کیناشهر در مدت زمان ۷ تانیه باطری و کامپیوتر خودروها را به سرقت می بردند. همه اعضای این بانده در مدت ۵ سال در زندان هم سلولی بوده اند. سرهنگ سیدامین موسوی پور، رئیس کلانتری ۱۵۸ کیناشهر گفت: با توجه به افزایش پرونده های سرقت باتری و کامپیوتر خودروهای سمند در منطقه کیناشهر تیمی از ماموران برای دستگیری عاملان این دردی ها وارد عمل شدند. وی افزود: ماموران در گام نخست، تحقیقات میدانی را آغاز کردند و در بررسی دوربین های مدار بسته در نزدیکی محل های سرقت مشاهده کردند سارق جوانی با خودروی پژو آردی یشمی رنگ در مدت زمان کمتر از ۷ تانیه اقدام به باز کردن در موتور خودرو کرده و باتری و کامپیوتر خودروها را به سرقت می برد. سرهنگ موسوی پور ادامه داد: ماموران با توجه به شماره پلاک خودروی سارق جوان پی بردند که منصور یکی از متهمان سابقه دار است که به خاطر سرقت لوازم داخل خودرو ۵ سال زندان بوده و در گذشته نیز در کار باطری سازی فعالیت داشته است. رئیس کلانتری ۱۵۸ کیناشهر گفت: تیم تجسس کلانتری با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه متهم ۳۳ ساله شدند و در عملیاتی غافلگیرانه این مرد همراه متهم دیگری که یوسف ۴۹ ساله است دستگیر شد.

سارق ناشی نمی دانست که تحت نظر است

دسیسه شوم پسر شیشه ای برای همسفرش



گروه حوادث: مسافر جوان وقتی از اتوبوس تهران پیاده شد نمی دانست در طول مسیر، مردی همه حرکات او را زیر نظر دارد. این پسر وقتی دستبده مج هایش خورد ادعا کرد دانشجو

خبر

در این حادثه ۳۰ عزادار حسینی در شبستان آتشین کشته شدند

پیچیدگی ۱۴ ساله فاجعه مرگبار مسجد ارگ

حال خواندن نماز مغرب و عشا بودند که ناگهان کپسول گاز در طبقه دوم منفجر شد. سقف ۸۰۰ متری برزنتی گسترده شده بر فراز حیاط مسجد ناگهان طعمه حریق شد. در جریان تحقیقات مشخص شد سقف برزنتی توسط متولیان مربوطه به پارافین آغشته شده بود تا مانع بروز سرما و باران شود. اما همین سقف برزنتی زمانی که آتش گرفت، مثل بارانی از آتش بر سر نمازگزاران فرو آمد و مردم که خود را در خطر می دیدند تلاش داشتند تا از راهروی باریک مسجد خود ر نجات دهند. در جریان تلاش مردم برای فرار، تعدادی از آنها زیر دست و پا گرفتار شده و جان باختند. از سوی دیگر عابرانی که متوجه آتش سوزی شده بودند تلاش می کردند تا وارد مسجد شوند. به همین خاطر از دحام جمعیت و پر شدن فضای مسجد از دود سبب شد عده ای از جمله کودکان دچار خفگی شده و جان ببازند. حال آنکه به گفته شاهدان، عده ای با شکستن شیشه های مسجد و فرار از بنجرها

گروه حوادث: بعد از ۱۴ سال باز پرس پرونده آتش سوزی مسجد ارگ تهران ابلاغیه جدیدی برای خانواده قربانیان این حادثه ارسال کرد.

ساعت ۱۸:۲۰ دقیقه دوشنبه ۲۶ بهمن سال ۸۳ (پنجمین روز محرم) در مسجد ارگ تهران یکی از تلخ ترین آتش سوزی ها در تهران رخ داد. از آنجا که این آتش سوزی هنگام برگزاری نماز جماعت و قبل از شروع مراسم ویژه عزاداری رخ داد، جمعیت زیادی در مسجد حضور داشتند و به همین خاطر افراد زیادی در آتش سوختند. همزمان با حضور آتش نشان ها و امدادگران در محل حادثه، بلافاصله مصدومان به ۳ بیمارستانی که در نزدیکی مسجد بود منتقل شدند اما با توجه به شدت سوختگی و جراحات های وارده، تعدادی از عزاداران نیز در بیمارستان جان سپردند. از سوی دیگر در جریان تحقیقات باز پرس جنایی و تیم تحقیق مشخص شد عزاداران در

پسری به پدر دوستش حمله کرد

انتقامجویی اسیدی به سبک فیلم های سینمایی

گروه حوادث: پسر جوان که از پدر دوستش کینه به دل گرفته بود پس از دیدن یک فیلم ایرانی خشن دست به اقدام هولناکی زد. مرد نگو نبخت نمی خواست پسرش با دوست خود رفت و آمد داشته باشد.

دستگیری جوان اسید پاش

فریادهای « سوختم، سوختم» علی در فضای پارک پیچیده شد و اهالی محل که شاهد سناریوی هولناک اسید پاشی بودند برای کمک به صحنه جرم رفته و پسر جوان که تصمیم به فرار گرفته بود در حلقه محاصره مردم زمینگیر شد و قربانی این اسید پاشی توسط اهالی محل به بیمارستان منتقل شد و خیلی زود تیمی از ماموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض برای دستگیری جوان اسید پاش در محل حاضر شده و جوان ۱۶ ساله را دستگیر کردند.

مرد سوخته

بدین ترتیب اقدامات پزشکی برای درمان قربانی اسید پاشی صورت گرفت و باز پرس شعبه ۵ دادرسی امور جنایی تهران دستور داد تا تیمی از ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه و بررسی علت

او اود دیگر چاره ای جز اقرار ندید. مسعود که اسم واقعی اش هوشنگ است در بازجویی ها گفت: من دانشجو نیستم و چون شیشه می کشم دزدی می کنم من بیشتر در مسافرت ها جیب مسافران را خالی می کنم و قبلا دزد خانه بودم. وی ادامه داد: همیشه آمیموه مسموم داشتمم با مسافران دوستی کرده و به آنها آمیمویه می خوراندم بعد جیب هایشان را خالی کرده و بین راه پیاده می شدم.

حکم دادگاه

این دزد جوان پس از شناسایی همه مالباخته هایش از سوی دادگاه به تحمل ۳ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و رد مال محکوم شد و این حکم به تأیید رسید.

در ترمینال جوان دزد را اجازه پیاده شدن نداد و از من خواست خودم را به پلیس برسانم. **ادعای بی گناهی** پسر جوان که خود را مسعود و دانشجو معرفی می کرد وقتی پلیس را پیشش روی خود دید گفت: من بچه تهران هستم و در دانشگاه این شهر درس می خوانم و همیشه به اینجا می آیم و نمی دانم جرم من چیست؟! **اعتراف** همزمان با بازرسی بدنی پلیس از مسعود ماموران سراغ مرد مسافری که هنوز خواب بود رفتند و وقتی فهمیدند او بی هوش است سریع اورژانس را خبر کردند.

از سوی دیگر در بازرسی بدنی ماموران همه دارو ندار مرد بی هوش را از جیب های مسعود پیدا کردند



اعلام شده بودند. از طرفی دادگاه عالی خواسته بود مشخص شود که چند نفر از مقصران حادثه در قید حیات هستند که تحقیقات نشان داد: ۹ مقصر ۳ نفرشان فوت کرده اند. باز پرس محسن مدیر روستا در ادامه رسیدگی به این پرونده گفت: پس از اینکه مقصران این حادثه به دادگاه معرفی شدند دادگاه حکم نهایی را صادر کرده اما دادگاه تجدیدنظر ایراداتی بر پرونده گرفته که به همین خاطر پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه و شعبه بازپرسی ارجاع شد.

گفت: در مدت زمانیکه با رامبد دوست شده بودم بیشتر اوقات در کنار او بودم و وابستگی زیادی به رامبد پیدا کرده بودم تا اینکه یک روز رامبد از من خواست دیگر به سراغش نروم. وی افزود: شوکه شده بودم و وقتی علت این درخواستش را پرسیدم متوجه شدم پدرش مانع ادامه دوستی مان شده است که از همان روز از کینه به دل گرفتم اما اجرات کاری نداشتم و هر روز برای اینکه از پدر رامبد انتقام بگیرم نقشه هایی را طراحی می کردم اما ترس مانع انجام تصمیماتم شد.

پسر جوان ادامه داد: کینه پدر رامبد همیشه همراهم بود تا اینکه یک شب به سینما رفتم و فیلم ویژه بالای ۱۳ ساله که صحنه های خشنی داشت را دیدم و با توجه به صحنه های قدرت نمایی با سلاح سرد نقش اول فیلم تحت تاثیر قرار گرفتم و جرات پیدا کردم تا از پدر رامبد انتقام بگیرم.

ماز یار گفت: پس از پایان فیلم اقدام به خرید اسید، چاقو و پنجه بوکس کردم و سپس به جلوی خانه خانه رامبد رفتم و در کمین پدرش نشستم. وی افزود: چند ساعتی منتظر ماندم تا اینکه مشاهده کردم پدر رامبد از خانه خارج شد و به سمت پارک در حال حرکت بود، به خاطر کینه ای که از او داشتم خشم همه وجودم را گرفته بود و به همین خاطر خودم را در برابر او رسانده و ابتدا ظرف اسید را روی علی ریختم و سپس با چاقو ضربه ای به شکمش زد و در ادامه همه زور خودم را در دستی که پنجه بوکس در آن بود جمع کرده و ضربه ای به صورت پدر رامبد زدم.

پسر جوان گفت: پس از اجرای نقشه ام تصمیم به فرار گرفتم اما اهالی محل مرا در حلقه محاصره شان گرفتار کردند و پلیس با حضور در محل مرادستگیر کرد. بنا به این گزارش، ماز یار به دستور باز پرس شعبه ۵ دادرسی ناحیه ۲۷ تهران برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

بود که برای ورزش به باشگاه ورزشی آموزش پارکور رفتم و در آنجا با پسر جوانی به نام ماز یار آشنا شدم و دوستی ما روز به روز بیشتر شد تا حدی که به غیر از زمان باشگاه، بیشترین زمان شبانه روز را در کنار ماز یار می گذراندم. وی افزود: رابطه نزدیک من و ماز یار باعث شده بود که دیگر از درس خواندن غافل شوم و وقتی پدرم متوجه شد دوستی من با ماز یار باعث شده در درس خواندن مشکل پیش آید مانع ادامه دوستی مان شد و پدر دیگر اجازه نداد دیگر به باشگاه ورزشی بروم و همین باعث محدود شدن من و ماز یار شد.

پسر جوان ادامه داد: به خاطر مخالفت های پدرم از ماز یار خواستم تا مدتی به سراغم نیاید تا مشکلات را حل کنم تا به دوستی مان ادامه دهیم.

رامبد افزود: مدتی بود که از ماز یار خبر نداشتم تا اینکه شب حادثه شنیدم دوست صمیمی ام روی پدرم اسید ریخته و با چاقو و پنجه بوکس او را تا یک قدمی مرگ کشانده است.

شجاعت با دیدن یک فیلم

ماز یار ۱۹ ساله که در همان صحنه اسید پاشی از روزی مردم زمینگیر شده بود در اعترافاتش به ماموران

